

قال الامام زين العابدين (ع) : مَنْ قَنَعَ بِمَا قَسَمَ اللَّهُ لَهُ فَهُوَ مِنْ أَغْنَى النَّاسِ

هر که به قسمتی که خدایش داده قانع باشد ، همو ، بی نیازترین مردم است .

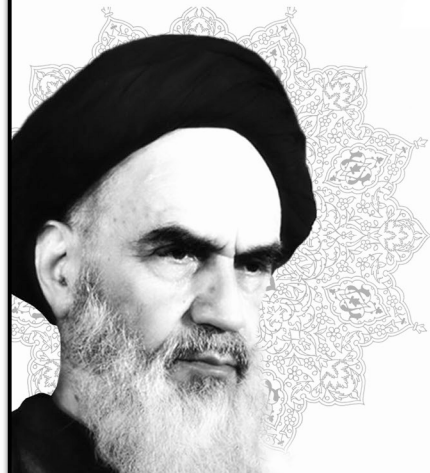
[الأمالی، شیخ مفید، ص ۱۸۴]

www.serajnet.org



نشریه اخلاقی - تربیتی - شماره ۶۸ / آذر ماه ۹۳

معاونت تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی سپاه



## چه شده که از مدح و ثنای مردم این قدر خوشحال می شوی؟!

ای مدعی زهد و اخلاص! اگر تو مخلصی و برای خدا از مشتتهیات دنیا زهد می ورزی، چه شده که از مدح و ثنای مردم این قدر خوشحال می شوی و برای همنشین با اهل دنیا جان می دهی و از فقرا و مساکین فرار می کنی؟ پس بدان که این زهد و اخلاص حقیقی نیست، زهد از دنیا برای دنیاست و در ادعای خود کاذبی و از دورویان و منافقانی.

[ امام خمینی- ره ، کتاب چهل حدیث ص ۱۳۹ ]

## زندگی راحت / مدارا با مردم

شرح حدیث از مقام معظم رهبری حضرت آیت ا... امام خامنه ای (مدظله العالی)

عن النبی (صلی الله علیه و اله) : وَأَعْقِلُ النَّاسِ أَشَدَّهُمْ مُدَارَاةً لِلنَّاسِ؛ ( الشافی، صفحه ۸۲۲)

«مُدَارَاةٌ» یعنی راه آمدن با مردم ، و دنبال اختلاف نگشتن است... اگر حق و ناحق در میان است ، دعوای اصولی با کسی داریم ، این بحث دیگری است. اما در غیر این صورت ، می شود دو طرف (باهم به شکل مسالمت آمیزی) راه ببایند. چه در معامله، چه در تعاملات سیاسی، چه در تعاملات اجتماعی ، چه در خانواده.

می فرماید: عاقل ترین مردم کسی است که بیشتر از همه با مردم مدارا کند. وَجْهش هم واضح است؛ زیرا مدارا ی در جامعه ، آرامش را ، زندگی راحت را برای همه فراهم می کند. بر خلاف آن کسانی که دنبال سخت گیری با این و آن هستند ، سر هر نقطه کوچکی ، سخت گیری کردن، اذیت کردن ، بگو مگو کردن ، درست نقطه مقابل مدارا است. ( و پسندیده دین مبین اسلام نیست.)



[جلسه ۵۱۲ مورخ ۱۹ / ۰۹ / ۱۳۹۱]

## مغرور به این پادشاهی نباش که قیمت آن یک جرعه آب بیش نیست!!

روزی بهلول بر هارون وارد شد. هارون گفت: ای بهلول مرا پندی ده. بهلول گفت: اگر در بیابانی هیچ آبی نباشد تشنگی بر تو غلبه کند و می خواهی به هلاکت برسی چه می دهی تا تو را جرئه ای آب دهند که خود را سیراب کنی؟ گفت: صد دینار طلا. بهلول گفت اگر صاحب آن به پول رضایت ندهد چه می دهی؟ گفت: ... نصف پادشاهی خود را می دهم. بهلول گفت: پس از آنکه آشامیدی، اگر به مرض (نا علاجی) مبتلا گردی و نتوانی آن را رفع کنی، باز چه می دهی تا کسی آن مریضی را از بین ببرد؟

هارون گفت: نصف دیگر پادشاهی خود را می دهم. بهلول گفت: پس مغرور به این پادشاهی نباش که قیمت آن یک جرعه آب بیش نیست. آیا سزاوار نیست که با خلق خدای عزوجل نیکوئی کنی؟!

( منبع : کتاب داستانهای شیرین بهلول دانا )